

پرسشگری مشارکتی

کلید خروج از بن‌بست



شقایق بهرامی*

تصویر گر: میثم موسوی

مشابهی ندارند؟ و همان‌طور که حدس می‌زدم «نه»، به حالشان غبطه می‌خوردم. نمی‌دانم دقیقاً چطور شد، اما یک وقتی به خودم آمدم و دیدم دیگر ناظر ساکت دفتر دبیران نیستم؛ زنگ تفریح‌هایی که در کلاس نمانده بودم تا با دانش‌آموزی حرف بزنم یا فعالیت آن جلسه را همراه بچه‌ها تمام کنم، به گفتن با همکاران و شنیدن از آن‌ها می‌گذشت.

در همین گفت‌وگوها بود که فهمیدم تنها نیستم و بقیه معلم‌ها هم با مسائل مشابهی مواجه می‌شوند. آن‌ها هم خیلی وقت‌ها تنها می‌مانند و کار و بچه‌ها چنان به هویتشان گره خورده است که خیلی وقت‌ها به خاطر همین مسائل در زندگی شخصی‌شان هم

روزهای اول معلمی، مدام هیجانانگیز مثبت و منفی متنوعی را تجربه می‌کردم، اما احساسی که بارها و بارها تکرار می‌شد، احساس تنها ماندن و واماندگی بود. باید برای مواجهه با مسائل واقعی کلاس آماده می‌شدم، ولی تنها بودم و هیچ راهی پیش روی خود نمی‌دیدم. کتاب‌ها برای دنیایی ایده‌آل نوشته شده بودند و جست‌وجو در اینترنت هم به راهکارهایی کلی ختم می‌شد که روشن بود در شرایط کلاس من، با مختصات منحصربه‌فردش، محکوم به شکست‌اند.

در دفتر دبیران که می‌نشستم، به چهره بقیه معلم‌ها نگاه می‌کردم و از خودم می‌پرسیدم، یعنی این‌ها هیچ‌کدام مشکلات

* دبیر منطقه ۱ تهران

فرایند پرسشگری مشارکتی دانش پیشین معلمان را به رسمیت می‌شناسد و آن را به کار می‌گیرد

جلسه دیگر هم بعد از آن برگزار شد و حالا که تقریباً یک سال و نیم از آن روز می‌گذرد، نزدیک به ۳۰ معلم دیگر هم به جمعمان اضافه شده‌اند و هر کدام در گوشه خودشان، با توجه به شرایط و نیازهای همکاران خودشان، کار را ادامه می‌دهند.

ما که نتوانسته بودیم در ساعت کاری مدرسه وقت آزاد مشترکی پیدا کنیم، عموماً بعد از اینکه بچه‌ها را راهی خانه می‌کردیم، دور هم جمع می‌شدیم. بارها وقتی خسته و کوفته بعد از جلسه پرسشگری مشارکتی در ترافیک گیر می‌کردم، از خودم می‌پرسیدم، مگر این معلم‌ها همان‌هایی نیستند که همواره از تعداد زیاد جلسات مدرسه‌ای شکایت می‌کردند! حالا، با اینکه تمام روز را سر کلاس بوده‌اند، یا اصلاً روز کاری‌شان نبوده است و قرار بوده خانه باشند، چه شده است که بدون هیچ اجباری حاضرند این یک و نیم یا دو ساعت اضافه را در مدرسه بگذرانند و در یک جلسه دیگر شرکت کنند؟ بعضی پاسخ‌هایی را که در کتاب‌ها و متون دانشگاهی برای این پرسش آمده و من و - تا جایی که می‌دانم - معلمان دیگری که در این جلسات شرکت کرده‌اند، آن‌ها را زندگی کرده‌ایم، برایتان آورده‌ام:

زمین گیر می‌شوند. اما همیشه تا می‌آمدیم از کلی‌گویی بگذریم و وارد جزئیات تعیین‌کننده در حل مسئله شویم، زنگ خورده بود و باید برمی‌گشتیم سر کلاس. از بخت خوش، بعضی از آن معلمان، بعدترها دوستان خوب من شدند و بسیاری بعد از ظهرها و حتی گاهی شب‌ها تا دیروقت زمان کافی داشتیم برای پرداختن به پیچیدگی‌ها و برنامه‌ریزی برای فردای کلاس‌هایمان.

هر بار که دوست معلمی کمک می‌کرد به آن احساس تنها ماندن و واماندگی غلبه کنم، یا به دوست معلم دیگری کمک مشابهی می‌کردم، در روشنی و امیدواری بعد از آن، آرزو می‌کردم هر معلمی به چنین امکانی دسترسی داشته باشد. وقتی به انتخاب درس‌های دوره فکر می‌کردم هم این آرزو برایم پررنگ بود. دوست داشتم بتوانم این امکان را برای معلمان بیشتری فراهم کنم. وقتی بالاخره کار با معلمان در قالب «پرسشگری مشارکتی» را شروع کردم، فهمیدم که آرزوی چندان محالی هم نبوده است. اواخر آذر ۹۶ بود که اولین جلسه پرسشگری مشارکتی در مدرسه برگزار شد. ۱۶ معلم و معاون و مدیر در جلسه بودند. ده

- محتوای جلسات به‌طور مستقیم با کار معلم و مشکلات روزمره او در کلاس درس مرتبط است و برای مواجهه بهتر با آن مسائل کمکش می‌کند.
- فرایند پرسشگری مشارکتی دانش پیشین معلمان را به رسمیت می‌شناسد و آن را به کار می‌گیرد.
- فضای روانی امن جلسات، فرصت دیده شدن و شنیده شدن را برای همه افراد فراهم می‌کند.
- هر شرکت‌کننده جمع‌بندی خودش را از هر جلسه شکل می‌دهد و گرداننده جلسه یا دیگر شرکت‌کنندگان، درستی و غلط بودن چیزی را تحمیل نمی‌کنند.
- یویایی و پایداری این جلسات به این معناست که پرسشگری مشارکتی به معنی کارگاه‌هایی که بعد از چند ساعت به پایان می‌رسد، نیست و در طول سال تحصیلی به‌طور مستمر ادامه دارد. برنامه جلسات از پیش تعیین‌نشده و هر بار مطابق نیازهای شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد.
- ترکیب پایه‌ها (در صورت امکان دوره‌ها) و حوزه‌های آموزشی فرصتی برای خارج شدن از زمینه‌های معمول یک معلم و مواجهه با افق دیدهای نو فراهم می‌کند.

دست دارد، کمک می‌کند چارچوب گفت‌وگوی مناسبی انتخاب شود. چارچوب گفت‌وگو در واقع مجموعه‌ای از راهبردهاست که مسیر گفت‌وگو و مراحل آن را مشخص می‌کند تا بحث منسجم و هدفمند باقی بماند. این راهبردها در جلسه‌های پرسشگری مشارکتی، به منظور تسهیل یادگیری در گروه و ایجاد فضای امن گفت‌وگو، به کار گرفته می‌شوند.

در ادامه این مجموعه یادداشت‌ها، چند چارچوب کاربردی گفت‌وگو را همراه با مثال‌هایی واقعی از تجربه‌های گروهی خودمان معرفی می‌کنیم. امیدوارم شما هم به تدریج گروه پرسشگری خودتان را شکل دهید. انزوای پنهان پشت شلوغی دفتر معلمان را بشکنید و با یکدیگر و در کنار یکدیگر یاد بگیرید و یاد بدهید.

برگزاری این جلسات امکانات خاصی نمی‌خواهد، تنها تعدادی معلم علاقمند به یادگیری از هم و با هم، و فضایی برای دور هم جمع شدن. هر جلسه یکی از معلمان گروه، با پذیرفتن نقش ارائه دهنده، موضوعی را در زمان پنج تا ده دقیقه با گروه به اشتراک می‌گذارد و شواهدی از کلاس درس (مثلاً فیلم، صدا، طرح درس، کاربرگ آزمون و نوشته یا نقاشی دانش‌آموز) را نیز همراه می‌آورد. موضوع ارائه کاری است مربوط به کلاس و مدرسه، که معلم دوست دارد از تجربه‌های مرتبط همکارانش درباره آن استفاده کند. علاوه بر معلم ارائه دهنده، یک نفر گرداندن جلسه را برعهده دارد و یک نفر نیز مسئولیت مستندسازی و ثبت جلسه را می‌پذیرد. گرداننده، پیش از جلسه، علاوه بر کمک به ارائه‌دهنده برای آماده کردن محتوای ارائه، با توجه به جنس مسئله و شواهدی که معلم در